



راهکارهای عملی افزایش بصیرت در قرآن و نهج البلاغه

گرد آورنده: الهه میرزا^۱

^۱. احوزه علمیه خواهران فاطمه الزهرا سلام الله علیها، آبادان، پایه ۵، elahemir202@gmail.com

چکیده

بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور است. بصیرت ارزش حیاتی دارد و اساس خودشناسی است به همین جهت در تعالیم دینی به داشتن آن امر شده و ائمه علیهم السلام نیز دستور می‌دادند که پیروانشان بر مدار بصیرت عمل کنند. در جامعه کنونی، که امواج هجمات دشمنان، از طرق گوناگون بر پیکره آن وارد می‌شود، هیچ چیز؛ همچون بصیرت نمی‌تواند، محافظی باشد در برابر آن‌ها. لذا ما نیاز داریم بصیرت مردم را نسبت به این مسائل از روشی که در قرآن کریم و کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان شده است، افزایش دهیم. در اهمیت و ارزش بصیرت، همین بس که قرآن کریم و اولیاء خدا و پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، با الهام از قرآن، پیروان خود را به کسب بصیرت و به دست آوردن آگاهی‌های جهت بخش امر می‌کردند و امر مستقیم آن‌ها، حکایت از ارزش آن مقوله دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای کوشیده است، مهمترین و مؤثرترین موارد عملی بصیرت را جمع‌آوری کرده و آن‌ها را بررسی و تحلیل نماید. در این پژوهش عوامل بصیرت‌افزایی در ساحت عمل را برای جویندگان بصیرت مورد بررسی قرار گرفته؛ از جمله تقوا، ولایت‌پذیری و... که ان شاءالله مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: بصیرت، قرآن، نهج البلاغه.

مقدمه

بصیرت در میان همه اقشار یک جامعه، تضمینی است برای هدایت آن جامعه و قرار گرفتن در مسیر حق. توجه به جایگاه و اهمیت بصیرت، چه نیکو که از لسان روایات اهل بیت (علیه السلام) تبیین شود. شناخت دوست از دشمن، هوشیاری و بیداری کافی در برابر توطئه و فتنه‌های دشمنان و تحلیل درست وقایع و موضع‌گیری واقع‌بینانه و درست در رخدادها و فتنه‌ها، جز، در سایه بصیرت و

ارتقای آن، میسر نخواهد شد. برای رسیدن به بصیرت راهکارهای عملی و رفتاری بسیار حایز اهمیت می باشد.

این مقاله، به بررسی روش‌های بصیرت‌افزایی عملی از طریق آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه می‌پردازد؛ اما در ابتدا باید نکاتی درباره «بصیرت» و اهمیت آن گفته و در ادامه معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی بصیرت را از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه بیان کرده و در انتها روش‌های بصیرت عملی را تبیین می‌کند.

یکی از دلایل بهره‌گیری از قرآن کریم در این پژوهش آیه ۲۰ سوره جاثیه می باشد. «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۱ این قرآن برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پروردگار است. بصیرت، «قطب‌نمایی است که در بیابان غبار آلودگی فتنه و گمراهی‌ها، راه و مقصد را می‌نمایاند»^۲. در کلام گهربار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه، تقوا، زهد، عبرت و تفکر به عنوان عوامل ایجاد بصیرت و روشن‌بینی دانسته شده و به وضوح و به دفعات در خطابه‌ها و حکمت‌های ایشان بدان‌ها اشاره شده است و این فرصتی بود که از کلام امام علی (علیه السلام) در این پژوهش بهره‌مند شویم.

با توجه به اهمیت بصیرت و بر اساس تأکیده‌های بسیار زیاد رهبر انقلاب اسلامی بر تبیین این مهم، نویسندگان و اندیشمندان زیادی کوشیده‌اند تا پیرامون آن، به تحقیق و پژوهش، بپردازند و هریک گوشه‌ای از این عامل اساسی بینایی واقعی و رشد و شکوفایی را در عرصه‌های مختلف، مورد کنکاش قرار دهند؛ تا بتوانند رسالتی را که در این عرصه، بر دوش آن‌ها قرار گرفته است، هرچه بهتر به انجام برسانند. در این میان، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، با عناوین گوناگون و متفاوت به رشته تحریر درآمده‌اند. در میان کتاب‌ها به چند کتاب اشاره می‌شود؛

کتاب «مدیریت فتنه و بصیرت در حکومت علوی» نوشته دکتر سیدمحمدابراهیم حسنی در این کتاب به تعریف بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت و در اصطلاح به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح پرداخته است. نویسنده در ادامه، راه ثبات قدم و یافتن قوه درک حق و باطل و سره از ناسره را در کشمکش بحران‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، وجود ظرفیت و باورهای افراد می‌داند که بی‌تردید داشتن بصیرت، رمز و رازی غیر قابل انکار در ثبات

^۱ جاثیه/۲۰

^۲ قم در دیدار دانش‌جویان و جوانان، ۱۳۸۹/۸/۴.

فکری و استواری در حوادث گوناگون خواهد بود که با رعایت یکسری شرایط و بسترها حاصل خواهد شد.

کتاب «بصیرت از نگاه قرآن» نوشته علی‌مراد سعیدی، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵ که در این کتاب بیان می‌کند که بصیرت نوعی جهان‌بینی است و با آن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. در جهان‌بینی، مشاهده جهان، در مکاتب گوناگون متفاوت است. هر مکتبی جهان را بر اساس اعتقاداتش می‌شناسد، نه بر اساس حقیقتی که وجود دارد. بنابراین مشاهده جهان‌بینی هرچند فراتر از مشاهده جهان احساسی است، اما متأثر از بینش فکری است و نمی‌توان برای رسیدن به حقیقت، به آن اعتماد کرد، اما بصیرت با معیار وجدان می‌بیند. پس با بصیرت می‌توان چیزی را دید و حقیقتی را مشاهده کرد که با چشم، جهان احساس و اندیشه‌های جهان‌بین هرگز قابل درک نیست؛ از این رو، بصیرت ابزار سوم دیدن و دارای نوری هدایت‌گر است.

علاوه بر کتاب‌های نام برده شده، کتاب‌های بسیاری به ابعاد، آثار و کارکردها، عوامل، شاخص‌ها، موانع و ... پیرامون بصیرت پرداخته‌اند؛ کتاب‌هایی؛ همچون «بصیرت» نوشته علی‌اکبر قائدناظری یا «فرهنگ‌نامه بصیرت» از محمدی ری‌شهری و «بصیرت، نیاز همیشگی» نوشته عباس رحیمی، «بصیرت (ره‌نامه ۲۵)» نوشته معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی و کتاب‌هایی که شامل مجموعه مقالات می‌شوند؛ مانند مجموعه مقالات برگزیده کنگره علمی پیامبر اعظم ﷺ در بهمن ۱۳۹۰ را می‌توان نام برد.

مقاله «بصیرت در کلام حضرت علی» نوشته فاطمه مظفری نامه جامعه ۱۳۸۴ شماره ۱۰ و ۱۱، مقاله «بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم» چاپ شده در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۴ در مجله «بصیرت و تربیت اسلامی» نوشته جواد حسین‌زاده و سیاوش پوریوسف.

پایان‌نامه «بصیرت‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات»، نویسنده: کبری رشوندی سال ۱۳۹۰ در مقطع کارشناسی ارشد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه ادبیات و علوم انسانی اصفهان، با عنوان «مفهوم‌شناسی بصیرت در قرآن و عهدین» نوشته حمیده سیدقلعه در سال ۱۳۹۱.

کتاب و پژوهش‌های نام برده شده، تنها از منظر بررسی آیات دال بر بصیرت و ارتقای آن و برخی از منظر احادیث، به این مسئله پرداخته‌اند و پژوهشی که به هر دو و آن هم در سطح گسترده، پرداخته باشد، مشاهده نشد. در این جستار، کوشیده شده است تا علاوه بر پرداختن به اهمیت و ارزش بصیرت‌افزایی، راهکارهای موجود را که برگرفته از دو منبع غنی دینی است و همواره در تنگناها و مشکلات، تنها مأمّن هر پناه‌جویی است را، به یاری بطلبد و از دل آن‌ها، طرق بصیرت‌زایی را آشکار کند.

۵-۱۱. ولایتمداری

ولایت در لغت، مفاهیمی چون قرب، محبوبیت، دوستی، اتصال و پیوند و حاکمیت و سرپرستی را شامل میشود (معین). از لحاظ عرفانی، این واژه، نزدیکی هر چه بیشتر به خدا را می‌رساند که به دنبال خود اجازه تصرف در امور و نیابت را دارد و به لحاظ سیاسی به معنای پیوند بین حاکم اسلامی و مسلمانان و همچنین سرپرستی یا اداره کلان نظام اسلامی است.^۱ بنابراین ولایت به معنای حکومت، زمامداری و سرپرستی است.

قرآن کریم در آیات خود حاکمیت و تشریح را در اصل، مختص خداوند می‌داند؛ چنانچه در سوره شوری آیه ۹ می‌خوانیم: (فالله هو الولی).^۲ در مرحله بعد، این حاکمیت را خداوند در اختیار بندگان شایسته خود، یعنی انبیا و امامان معصوم (علیه السلام) قرار داده است که به نیابت از خداوند، سرپرستی و حاکمیت بندگان او را داشته باشند. برای شیعیان، در دوران غیبت کبری، این نیابت به فقهای جامع الشرائط شیعه رسیده است که از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود. بنابراین وقتی از ولایتمداری یا ولایت محوری سخن گفته می‌شود، منظور آن است که فرد و جامعه، محور و مدار زندگی خود را خدای بزرگ، انبیا، به ویژه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیه السلام) و فقیه جامع الشرائط قرار دهند و در ذیل سلسله مراتب نظام ولایی، تمام ابعاد زندگی خود؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظام اجتماعی را سامان دهند. در روایات نیز وارد شده است که: «ما نودی بشیء بمثل ما نودی بالولایة»^۳؛ یعنی در بین اصول و مبانی اسلامی، هیچ کدام به اندازه ولایت، دارای اهمیت نیست و به آن دعوت نشده است. با توجه به این اهمیت و بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، ولایتمداری فرد و جامعه را به شرح زیر میتوان تبیین کرد؛ ولایت در یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزون تر با ولی است. ولی را پیدا کن، ولی خدا را بشناس، خود را به او متصل و مرتبط کن، به دنبالش حرکت بکن، به طوری که تلاش تو تلاش او، جهاد تو جهاد او دوستی تو، دوستی او، دشمن تو دشمن او و جبهه بندی‌های تو، جبهه بندی‌های او باشد...^۴ اما ولایت در یک جامعه به این است که؛ ولی در آن جامعه مشخص باشد و منشأ و الهام بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه باشد، قطبی باشد که همه جوی‌ها و سرچشمه‌ها از او سرازیر می‌شود، مرکزی باشد که همه فرمان‌ها را او می‌دهد و همه قانون‌ها را او اجرا می‌کند، نقطه‌ای باشد که همه رشته‌ها و نخ‌ها به آن جا برگردد، همه به او نگاه کنند، همه

^۱ امام خمینی ۱۳۷۲، ۳۶، آیه الله خامنه ای ۶۹/۴/۲۰ و مطهری، ۱۳۷۰، صص ۲۷-۳۷.

^۲ شوری، ۹.

^۳ کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۸.

^۴ آیه الله خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۳، ص ۷۴.

دنبال او بروند ، موتور زندگی را او روشن کند راننده و پیش قراول کاروان زندگی در جامعه او باشد، در این صورت این جامعه، جامعه دارای ولایتمداری است.^۱

پس از روشن شدن مفهوم ولایتمداری ، اکنون به رابطه ولایتمداری با بصیرت می پردازیم. ولایتمداری از آن رو بصیرت سیاسی است که ولی امر جامعه با توجه به جایگاه بلندی که دارد و در قله رفیعی که قرار گرفته است ، نسبت به امور جامعه از همه بیناتر و هوشیارتر است ، لذا توجه به او و اطاعت از او راه را از چاه به فرد و جامعه نشان میدهد. به دلیل تقوای بالای علاوه بر اینکه اخبار و گزارش امور جامعه و جهان در اختیارش قرار میگیرد خداوند او را نسبت به حقایق بسیاری از امور آگاه می سازد. لذا توجه به بیانات، سخنان و فرامین ولی فقیه در جامعه ، افراد را از گمراهی و انحراف باز می دارد. در سوره نساء خداوند مسلمانان را از شایعه پراکنی نهی کرده و فرمان می دهد ، که اگر خبری از ایمنی و یا ترس (پیروزی یا شکست) به آنها رسید ، بدون تحقیق آن را شایع نکنند و برای اینکه بصیرت پیدا کنند آن را به پیامبر و ولی الامر که قدرت تشخیص دارند برسانند، تا او به عنوان رهبر جامعه ، افراد را روشن نموده و از ریشه های مسائل آگاه سازد ، تا افراد از شیطان پیروی نکنند (وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا نساء)^۲ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان -که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود ، جز عده کمی ، همگی از شیطان پیروی می کردید و گمراه می شدید. ولایتمداری نه تنها بصیرت زاست، بلکه تداوم بصیرت به ویژه بصیرت سیاسی انسان بسته به تداوم ولایتمداری اوست. در این صورت است که بصیرت انسان قوام می یابد؛ یعنی اگر ولایتمداری قطع شود، گمراهی و انحراف در کمین فرد نشسته است. در طول تاریخ اسلام، همین قطع رابطه با ولایت و مقابله با آن ، بسیاری از خواص تأثیرگذار و با سابقه ارزشمند را به بی بصیرتی کشانده است.

^۱ آیه الله خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۳، ص ۷۴.

^۲ نساء، ۸۳.

نتیجه گیری

بصیرت، چراغی است که روشنگر و نجات بخش انسان از گمراهی بوده، به وی قدرت می‌دهد تا با حق محوری، راه صواب را از ناصواب تشخیص دهد. در سایه بصیرت است که حق و باطل به خوبی آشکار شده و انسان از ظواهر اشیا و حوادث عبور کرده، به درکی فراتر از چهره ظاهری آنها نائل می‌شود و انسان را از تعصب، که همان قضاوت و تصمیم‌گیری بر اساس حبّ و بغض‌های شخصی و نه مبتنی بر حقیقت و واقعیت است، می‌رهاند. انسان با بهره‌مندی از بصیرت در هر حوزه معرفتی و در هر بینش و علمی و نیز در هر قضاوت و تصمیم و اراده‌ای، می‌تواند در مسیر حق و حقانیت قدم بردارد و تویی به حق داشته باشد و از باطل تبری جوید. از آن جا که پیمودن راه حق و حقیقت، بدون چراغ هدایت، منجر به توقف و یا انحراف از مسیر و هدف می‌گردد، نیاز به چراغ بصیرت، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. قرآن کریم و نهج‌البلاغه شریف به عنوان دو مبنا و دو رکن، در شناخت این مسیر دشوار، چراغهای هدایت انسان‌ها هستند. این دو منبع سراسر نور و بصیرت، محکم‌ترین و استوارترین طریق رسیدن به سر منزل مقصودی هستند که خداوند متعال، هدف از خلقت انسان را، رسیدن به آن بیان کرده است. دلبستگی به این دنیا و برقراری ارتباط محبتی با آن، چشم و گوش و دل آدمی را نسبت به حقایق آن، کور و کر می‌کند و پرده غفلت را بر عیوب دنیا می‌افکند. این جاست که وجود دیده بصیرت‌بین، اندیشه‌ورز و عبرت‌آموز، در کنار منابع نورانی، راه را می‌نمایاند. مدد از تقوا، ذکر خدا، وجود و بیانات ائمه اطهار، ولایت‌مداری، توبه، زهد، توجه به معاد، تفکر در دنیا و مافیها و ... در کنار تفکر و تدبر دقیق در آیات قرآن و سخنان امام علی (علیه السلام) که خود، برگرفته از آیات قرآن هستند، بسیار راهگشا خواهد بود.

در این پژوهش، با استناد به آیات قرآن و آموزه‌های نهج‌البلاغه، عوامل مختلفی که می‌توانند به بصیرت‌افزایی کمک کنند، شناسایی و تحلیل شدند از جمله ایمان، تقوا، زهد، ولایت و ... که در تمام موارد ذکر شده، رهنمودهای فراوانی در آیات قرآن و سخنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وجود دارد که در کنار سخن بزرگانی؛ همچون مقام معظم رهبری (دامت برکاته) شناخت، را تقویت می‌بخشد.

باشد که با بهره‌گیری از این نوشتار، این نعمت الهی را در خود ایجاد و تقویت کنیم ان شاءالله.

منابع:

- قرآن کریم، فولادوند، محمد مهدی، تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۸ش.
- نهج البلاغه، نسخه الکترونیکی صبحی صالح.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ایران: قم، بی تا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، بی جا، قم، ۱۳۸۲ش
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی تفسیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ق
- البحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مکتب الاعلام الإسلامیة، قم، ۱۳۶۶ش.
- التهانوی، محمد علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
- خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، نسخه الکترونیکی، ۱۳۷۷ش.
- الراغب الإصفهانی، حسین بن، المفردات فی غریب القرآن، دار العلم، الدار الشامیة، دمشق، ۱۴۱۲ق.
- سایت مقام معظم رهبری؛ <https://farsi.khamenei.ir>
- سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی (آ - ج)، فجر، تهران، ۱۳۷۳ش.
- الطباطبائی، محمد حسین، مختصر المیزان فی تفسیر القرآن، اسوه، تهران، ۱۴۲۱ق.
- عبدالله بن محمد، انصاری، منازل السائرین، مؤسسه دار العلم، قم، ۱۴۱۷ق.
- القرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۶م.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، بحار الأنوار ، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ریشه‌ری، محمد، فرهنگ‌نامه بصیرت، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۸ش.
- -----، میزان الحکمة، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ش.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، در پرتو ولایت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۸۳
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۷۶ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر، نسخه الکترونیکی.
- النوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۸ق.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۰ق.
- هاشمی رفسنجانی و برخی محققان، علی‌اکبر، فرهنگ قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.